

نگرش سیستمی، راه حل پیوند بافتهای تاریخی و جدید در روند نوسازی شهری

دکتر سید امیرمنصوری

استادیار دانشکده معماری دانشگاه تهران

رئیس پژوهشکده نظر، مرکز تحقیقات هنر، معماری و شهرسازی

مهرماه ۱۳۸۷

بافتهای تاریخی در شهرهای امروز ایران، نواحی مرکزی شهری را تشکیل می دهند که بخش توسعه یافته و نوساز شهر در اطراف و دور از آن شکل گرفته است. تغییر نقش پهنه تاریخی شهر از مرکز کار و فعالیت، کارکردهای اجتماعی و محلات مسکونی به عرصه نیمه متروکه با عملکردهای خودرو و مدیریت نشده، بافتهای تاریخی را به دو آفت اصلی مبتلا کرده است: اول، فرسودگی درونی ناشی از خروج حیات شهری از بافت و دوم، تبدیل شدن به عنصر مزاحم و توسعه نیافته در بستر شهر جدید. رویکردهای حفاظتی به بافتهای تاریخی بدون واقع گرایی و تناسب با زندگی روز موجب تشدید این وضعیت گردیده است.

در سالهای اخیر موضوع نوسازی و احیای بافتهای تاریخی شهری در دستور کار برنامه ریزان و مدیران شهری قرار گرفته است. "چیستی" برنامه های مداخله به سوال اول این فرآیند بدل شده و پاسخهای متنوعی به آن داده شده است.

مقاله حاضر در چارچوب پاسخ به "چیستی" برنامه های نوسازی و مداخله در بافتهای تاریخی به ضرورت اتخاذ "رویکرد" مناسب به مثابه عنصر لازم و ضروری فرآیند مداخله توجه نموده و "نگرش سیستمی" را در برابر آن پیشنهاد کرده است.

در چارچوب نگرش سیستمی، شهر جدید به مثابه یک کل شناخته شده و چگونگی روابط حاکم بر اجزای نیمه مستقل سیستم، از جمله بافتهای تاریخی، در سه مقطع زمان گذشته، امروز و آینده تبیین می شود. از این رهگذر، ضمن آسیب شناسی "نقش" بافت تاریخی، صورت آینده آن بیان شده و مبنای برنامه ریزی شهری قرار می گیرد.

در این رویکرد، سازمان فضایی شهری به عنوان تبلور خصلت سیستمی شهر بررسی و تحلیل می گردد. احیای مرکز یا بافت تاریخی در چارچوب سناریوی کل نگر شهر در اسناد توسعه ای به مداخلات کالبدی محدود نشده و علاوه بر ارائه طریق برای انطباق شرایط خود با زندگی امروز، در فرآیندی روشن و واضح و فراتر از سیاستهای حفاظت کالبدی، در برابر پرسش "با انبوه بناهای فرسوده تاریخی چه باید کرد" به پاسخگویی مسئولانه می پردازد.